

زن هفت هزار ساله

نرگس ظیف



نشر سنگ

www.ketab.ir



نشان استاندارد بین‌المللی محیط زیست کاغذ پاک FSC
برای تولید این کاغذ فرایند شیمیایی انجام نمی‌گیرد دوباره به چرخه‌ی طبیعت بازمی‌گردد و محیط زیست را آلوده نمی‌کند.

سرشناسه: نظیفه، ترگس، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدیدآور: زن هفت هزار ساله/ ترگس نظیفه

مشخصات نشر: تهران: نشر سنگ، ۱۴۰۳. / مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.

فروست: داستان ایرانی؛ ۶ / شابک: 978-622-7383-42-3

وضعیت فهرست نویسی: فیا / موضوع: داستان‌های فارسی — قرن ۱۴ Persian fiction — 20th century

رده‌بندی کنگره: PIR۸۳۶۲ / رده‌بندی دیویی: ۶۲/۳۸۸ / شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۹۵۲۴۹



سایت نشر سنگ:

www.sangpublication.ir

نشر سنگ در فضای مجازی:

@sangpublication

پست الکترونیک نشر سنگ:

sangpublication@gmail.com

شماره‌ی تماس و فضای مجازی: ۰۹۳۸۰۹۱۲۸۷۰

زن هفت هزار ساله

داستان ایرانی - ۶

نویسنده: نرگس نظیف

ناشر: سنگ

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۸۳-۴۲-۳

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر سنگ است.

زن هفت هزار ساله خواب می‌بیند...

نزدیک‌تر شده‌اند صداهای بیش‌تر شده است. صدای کمی می‌آید. کسی لایه‌های خاک را آرام آرام برمی‌دارد و پایین می‌آید. هفت هزار سال گذشته است. لباس‌هایم پوسیده است، ولی استخوان‌هایم هنوز نشان می‌دهند که روزی زن بوده‌ام. هنوز انگشتر مادرم دور استخوان‌های انگشتم است. می‌ترسم. حالا که وقتش رسیده است، می‌ترسم. سال‌ها منتظر بودم پیدایم کنند، ولی حالا دیگر به این‌جا عادت کرده‌ام. حالا از روی زمین می‌ترسم. از تمام آدم‌های روی خاک. از این همه غریبه. فکر می‌کنم چشم‌هایم توان دیدن نور را ندارند، ولی هنوز رنگ آسمان را خوب یادم هست. درخت‌ها و گل‌ها را یادم هست. کوه‌ها و دریاها را یادم هست. آواز پرنده‌ها را یادم هست. دلم برای دیدن همه چیز تنگ شده است، اما بیش‌تر دلم برای مادرم تنگ شده است.

چیزی نزدیک انگشترم می‌نشیند. پروانه‌ای سفید با خال‌های آبی به من نگاه می‌کند. من زنی هفت هزار ساله‌ام. هفت هزار سال پیش مادرم را دیده‌ام. هفت هزار سال پیش مرده‌ام.